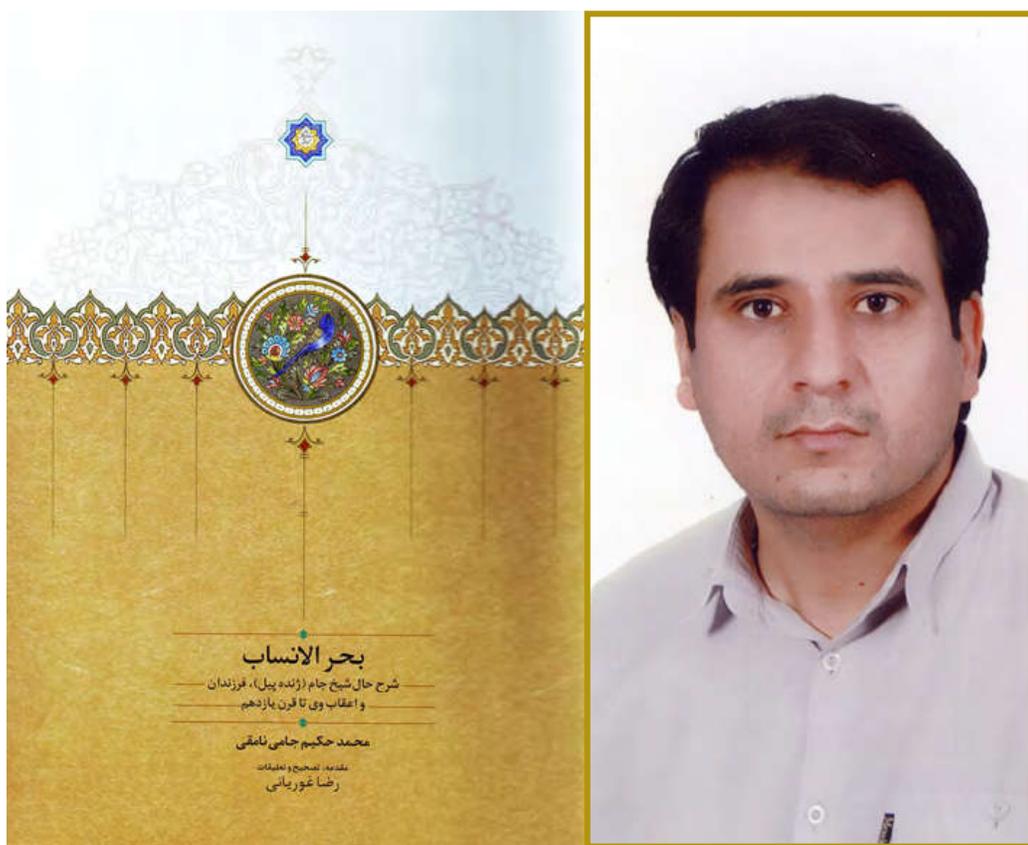


## بحر الانساب

«شرح حال شیخ جام (ژنده پیل)، فرزندان و اعقاب وی تا قرن یازدهم»

دکتر رضا غوریانی<sup>۱</sup>



نامه بایسنغر، شماره نخست، ۱۳۹۸ خورشیدی

۱. دبیر زبان و ادبیات فارسی در تربت جام rghoryani@yahoo.com



میراث مکتوب و نسخه‌های خطی بازگوکننده فرهنگ، تمدن، زندگی اجتماعی، آداب و سنن و پیشینه تاریخی کشور، منطقه و مردمی است که به آن زبان سخن می‌گویند و باید آن را میراث جامعه بشری نامید. این آثار خطرات زیادی را از کتاب‌سوزی‌ها، غارت‌ها و گذر زمان پشت سر نهاده و به مثابه گنجی است که گرد و غبار قرون بر آن‌ها نشسته و باید این گرد و غبار از آن زدوده شود. حفظ، معرفی و چاپ آن‌ها می‌تواند زمینه انتقال آن‌ها را به نسل‌های بعد فراهم کند و این مهم، یکی از رسالت‌هایی است که بر دوش اهالی فرهنگ و ادب است. با وجود تصحیح و انتشار بسیاری از نسخه‌های خطی، هنوز آثاری ارزشمند، هم‌چنان در پرده گم‌نامی مانده‌اند.

«بحرالانساب» از همان نسخه‌های نادری است که تا به امروز ناشناخته مانده است و در جایی نامی از این کتاب برده نشده است؛ حتی پژوهشگران فاضلی چون دکتر علی فاضل و دکتر مؤید سنندجی که حوزه کارشان شیخ جام و آثار وی است، نیز نامی از این اثر نبرده‌اند و این دلیلی است که این نسخه به تازگی وارد کتاب‌خانه مجلس ایران شده است و در زمان فهرست‌نویسی‌های ابتدایی در این کتاب‌خانه نبوده است.

«بحرالانساب» در ادامه کتاب‌هایی است که در باره شیخ احمد جامی (ره) و اولاد و احفاد وی به نگارش درآمده و در اصطلاح جزو آثار خاندانی شیخ جام است. این نسخه، تداوم و گسترده‌گی این خاندان را در قرن یازدهم (۱۰۳۴ق.) به تصویر می‌کشد.

شیخ‌الاسلام احمد جامی (۴۴۰-۵۳۶ق.) از جمله مشایخی است که فرزندان، مریدان و اعقاب وی، بیش‌ترین آثار را در باره زندگی، فضایل و کراماتش از روزگار حیات در سده پنجم و ششم تا قرن نهم و دهم هجری نوشته‌اند. بحرالانساب در ادامه همین آثار قرار می‌گیرد و از لحاظ تاریخی آخرین کتابی است که در این باره نوشته شده است؛ اما با همه آن‌ها تفاوت اساسی دارد و تنها می‌توان بخشی از کتاب روضة الرّیاحین درویش علی بوزجانی را با آن مقایسه کرد.

هدف اصلی تألیف این کتاب مقصد سوم آن است که در هشت قبیله، خاندان شیخ جام را تا قرن یازدهم معرفی می‌کند؛ خاندانی که شاید بتوان آن را گسترده‌ترین خاندان ایرانی دانست که نزدیک به هزار سال قدمت دارد و سال‌ها، سمت تولیت آرامگاه شیخ جام و منصب قضاوت شهر و منطقه رهبری و کلانتری این خطه از خراسان بزرگ را بر عهده داشته‌اند و تا کنون نیز این جایگاه، حداقل در منطقه جام حفظ شده است. هم‌اکنون تولیت آرامگاه شیخ جام در دست نسل بیست و سوم شیخ جام، حاج شرف‌الدین جامی الاحمدی (حاجی قاضی) است.

مقصد سوم کتاب پراکندگی خاندان شیخ جام را به خوبی به تصویر می‌کشد از جمله به





خاندان شیخ جام که در شهر هرات سکنی داشتند چه قبل از تألیف کتاب و چه در هنگام تألیف آن می‌پردازد و از خانواده‌ها و بزرگان این قوم در دارالسلطنه هرات و مناطق اطراف آن نام می‌برد. در بخشی از این اثر آمده است:

«طایفه چهارم: در بیان نسب عالی اولاد پسری خواجه شمس‌الدین محمد بن خواجه عبدالوهاب کوسویی و ثمّ الجامی، وی را دختری بوده است که در عقد خواجه کلان زیارتگاهی بوده که از اولاد عمدة‌المتوزّعین و زبده‌السالکین، مولانا کلان زیارتگاهی است. اما خواجه کلان مذکور، از صبیّه جلیله جمیله خواجه شمس‌الدین محمد بن خواجه عبدالوهاب، وی را یک پسر و یک دختر به عرصه آمده، پسر، خواجه عیسی محمد و دختر المسمّات خانزاده خان و اما این خانزاده خان مذکوره، والده مکرمه جناب هدایت مآب ارشادپناهی، میر محسن است، که الحال در بلده هرات و ولایت غوریان و قصبه کوسویه بر جاده شیخوخیت مستقیم است و جناب خواجه عیسی محمد را دو دختر بوده است یکی در عقد خواهرزاده وی، جناب ارشادپناهی، میر محسن مذکور است که یک پسر و چند دختر تولّد یافته، پسر مسمّی به «میر خواجه» که وی مقلوب و مجذوب است. این جماعت در شهر هرات به عنوان شیخ‌زادگی، مشهورند و چون از زمره اهل صلاح‌اند، مردم آن دیار را به ایشان اخلاص و ارادت تمام است. این جماعت از نبیره خواجه شمس‌الدین محمد کلان کوسویی است و نسبت خواجه شمس‌الدین محمد تا به حضرت شیخ‌الاسلامی احمد الجامی، قبل از این در طبقات سابقاً مذکور شد»<sup>۱</sup>.

کتاب بحرالانساب دارای یک مقدمه، سه مقصد و یک خاتمه است و نظمی خاص از آغاز تا پایان کتاب بر آن جاری است و نویسنده که از نوادگان درویش علی بوزجانی است، همواره کتاب روضه‌الریاحین وی را مدّ نظر داشته است و بر همان سبک و سیاق حرکت کرده است. این اثر می‌تواند اطلاعات مفیدی درباره منطقه جام در آن روزگار، اوضاع خاندان شیخ، وضعیت آرامگاه شیخ جام و متولیان آن و هم‌چنین در باره مقصد سوم روضه‌الریاحین که اکنون موجود نیست؛ در اختیار خوانندگان و پژوهشگران قرار دهد.

این اثر نخستین بار با تصحیح دکتر رضا غوریانی و با هم‌کاری بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار و انتشارات سخن، در ۳۲۸ صفحه و در قطع وزیری، در سال ۱۳۹۷ منتشر شده است. مصحح کتاب، در مقدمه خود، نویسنده و اثر او را معرفی کرده و تعلیقات و حواشی سودمندی بر آن افزوده است و هم‌چنین جناب پروفیسور عارف نوشاهی نیز در یادداشتی که در صفحات آغازین کتاب چاپ شده است به اهمیت این نسخه و تصحیح آن اشاره نمودند. در پایان از جناب



دکتر خلیل‌الله افضل‌لی که اولین بار نسخهٔ خطی این اثر را به بنده معرفی نمودند و آغازگر این راه بودند، سپاس‌گزاری می‌نمایم.